

سیاست‌نویسی در ایران (بررسی روشی پنج اثر در حوزه اندیشه سیاسی)

سیدرضا شاکری*

چکیده

در پی تأسیس نظام سیاسی جدید در ایران، در میان علاقه‌مندان به مباحث سیاسی در زمینه شناخت نظام نوپدید و یکی از مهم‌ترین محورهای آن یعنی ولایت فقیه، کوشش‌های بسیاری انجام شده است. فزونی دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها در علوم سیاسی و فضایی مراکز پژوهشی قم، در پرتو اوضاع سیاسی و مناسبات قدرت، در یک و نیم دهه اخیر کشور، مشغله‌ای را پدید آورد که در این نوشتار از آن با نام «سیاست‌نویسی» نام برده شده است. در گزارش توصیفی - تحلیلی از این پدیده، چند اثر برجسته از سیاسی‌نویسان معاصر به اجمال از حیث روش بررسی گردیده است.

واژگان کلیدی: سیاست‌نویسی، سیاسی‌نویسان، منازعات سیاسی.

مقدمه

انقلاب‌ها توانستن‌هایی هستند که خواستن‌های بیشماری در پی دارند. هر انقلابی چون انفجاری در درون محدودیت‌ها رخ می‌دهد و بر همه «نامحدودیت‌ها»ی فرضی خط بطلان می‌کشد. بی‌گمان سامان جدید سیاسی محصول یک انقلاب، آرمان‌های بلندی دارد که رهبران آن سخت بدان باور داشته و در عمل هم خود را تا حد توان بدان مقید می‌کنند. پیش از انقلاب عالمان مسلمان ایرانی خود را عمدتاً مکلف به پاسخ‌گویی در برابر اتهامات جریان‌های فکری بیرونی می‌دانستند و این در وضعیت تاریخی آن زمان به گونه‌های مختلف پدیدار شد.

در یک دوره کوشش‌ها مصروف اثبات سازگاری اسلام با علم و دانش گردید. بعدها بحث آزادی و اسلام رونق گرفت. در دوره سوم اسلام و سیاست محور واقع شد که با انقلاب و نیازهای طبیعی یک حکومت متفاوت، این موضوع به ادبیات مسلط تبدیل گردید. امام خمینی با اعلام اینکه «اسلام همه‌اش سیاست است و سیاست مُدُن از اسلام آغاز می‌شود»، به نوعی به آرمان‌های «سیاست اسلام» مجال فراوانی داد. پیش از آن، به طور غیرمستقیم تا حدودی مسئله مهجوریت سیاست از اسلام و اسلام از سیاست را کسانی مثل شریعتی دامن زده بودند. بنابر این ادبیات و فضایی فراگیر در ضرورت کشف «سیاست اسلامی» بر جریان‌های فکری مسلط گردید. نویسندگان سیاسی یا «سیاسی‌نویسان» هم و غم خود را به احیای جنبه‌های مختلف سیاست در اسلام متمرکز کردند. بدین گونه حجم نوشته‌ها در باب «سیاست» در نسبت با پیش از انقلاب اسلامی در یک سیر صعودی ناگهانی بالا رفت. البته اوضاع جنگی کشور تا حدود زیادی مانع از این امر شد، اما با پایان جنگ و بازنگری در قانون اساسی دور جدیدی از «سیاست نویسی» آغاز شد که هنوز هم به همان شکل ادامه دارد. با آغاز دهه هفتاد و آرایش تازه در نیروها و مناسبات سیاسی کشور، سیاست‌نویسی نیز به نوعی در چارچوب قواعد بازی قدرت و مبارزات سیاسی قرار گرفت و به تدریج از ضوابط دقیق علمی و حرفه‌ای در حوزه تخصصی اندیشه سیاسی و علم سیاست فاصله گرفت.

این مقاله می‌کوشد ضمن بازخوانی برخی از مشهورترین آثار «سیاست نوشته» در حوزه اندیشه سیاسی اسلامی در کشور، از ابتدای دهه هفتاد تاکنون یعنی در مدت نزدیک به ۱۵ سال ضمن بازنمایی اوضاع سیاسی و زمینه‌های واقعی ظهور آنها، به باز

نمایاندن مشکلات روشی و معرفتی این آثار پرداخته و نارسایی‌های آنها را نشان دهد. در قسمت نخست ضمن پرداختن به وضعیت سیاسی، سهم تحولات و منازعات سیاسی کشور را در این دوره در سوق دادن به تولید آثار سیاسی، تشریح می‌کنیم. در قسمت دوم، به تکاپوهای اندیشه سیاسی و تکون هویت تاریخی معرفت سیاسی در ایران نگاهی تاریخی می‌اندازیم و در قسمت سوم به ارزیابی روشی چند اثر مشهور در حوزه اندیشه سیاسی می‌پردازیم.

برشی از اوضاع و حوادث سیاسی

پیش از انقلاب اسلامی بحث اندیشه سیاسی، به ویژه در دهه پنجاه خورشیدی به دلایل گوناگون جز در چند نوشته موردی نامرتبط به هم، اصلاً مطرح نبود و احتمالاً اصطلاح اندیشه سیاسی از سرفصل‌های درسی رشته علوم سیاسی فراتر نرفته بود. رواج ایدئولوژی‌های عملگرا در بی‌توجهی به این مقوله مؤثر بود؛ ایدئولوژی‌هایی که هر نوع پرداختن به مباحث فکری و نظری را ناشی از بی‌دردی اجتماعی می‌پنداشت و آن را محکوم و در نتیجه نفی می‌کرد. عمید زنجانی در خصوص فضای سال‌های دهه چهل به ظرافت به این امر اشاره می‌کند؛ «از روزی که از استاد بزرگ علامه طباطبایی رخصت دیدار طلبیدم تا تحقیق و تحریر در مسائل سیاسی اسلام را دنبال کنم، چهل سال می‌گذرد. آن روزها دم از اندیشه سیاسی زدن نه تنها خودکشی بود که مایه تمسخر تاجران اندیشه و بازیگران عملگرا بود» (عمید زنجانی، ۱۳۷۹: ۱۶).

پیش از انقلاب اسلامی چند اثر محدود در حوزه اندیشه سیاسی عمدتاً برای دانشجویان علوم سیاسی وجود داشت که مهم‌ترین آنها دو کتاب *مکتب‌های سیاسی بهاء‌الدین پارسارگاد* و *ترجمه فارسی خداوندان/اندیشه سیاسی* بود. البته این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که رشته علوم سیاسی هم فقط در دو دانشگاه (تهران و ملی) وجود داشت. که در این زمینه حمید عنایت تقدم داشته و حتی آغازگر خوبی برای مرحله‌ی جدید دانش سیاسی در ایران محسوب می‌شود. پیروزی انقلاب فرصت‌ها و فضاهای جدیدی برای پردازش‌های قلمی به سیاست پدید آورد، اما از آنجا که بحث درباره اندیشه‌های سیاسی در وضعیت جنگی کشور ممکن نبود، تا سال‌های پایانی دهه شصت خورشیدی اثر عمده‌ای در این میان پدید نیامد و حتی چند اثر قابل اعتنا هم در

دهه بعد بود که مجدداً مورد توجه قرار گرفت. بدین ترتیب ظهور سیاست‌نویسی عمدتاً محصول سال‌های پایانی دهه شصت و دهه هفتاد است. اولین اثر در این باره به عمید زنجانی تعلق دارد؛ مجموعه فقه سیاسی که بر اساس دغدغه پیش از انقلاب او شکل گرفته بود و نویسنده فقه سیاسی از این حیث فضل تقدم دارد. سال‌های پایانی دهه شصت به تدریج اوضاع را برای تحولات سیاسی جدید آماده می‌کرد. در این میان دو حادثه جدید زمینه‌ساز حوادث بعدی شدند؛ یکی بازنگری در قانون اساسی که به حذف نهاد شورای رهبری و تبدیل ولایت فقیه به ولایت مطلقه فقیه (اصل ۵۷ قانون اساسی ۱۳۶۸) در بخش اسلامیت و نیز حذف نهاد نخست‌وزیری در قوه مجریه (حوزه جمهوریت) انجامید. حادثه دوم آغاز برنامه‌های نوسازی و بازسازی (توسعه) کشور بود که در پی آنها تعدیل اقتصادی و خصوصی‌سازی، توسعه آموزش عالی، تفکیک روحانیت از روحانیون (جامعه و مجمع) و آرایش جدید در نیروهای سیاسی کشور رخ داد.

دانشگاه امام صادق^(ع) در حوزه علوم انسانی با رشته‌های تخصصی اقتصاد، علوم سیاسی و الهیات در ابتدای دهه شصت تأسیس گردید و دانش‌آموختگان آن در آغاز دهه هفتاد با تخصص‌های کلاسیک در کنار آشنایی با علوم اسلامی - به ویژه فقه و کلام - زمینه پرداختن به مباحث سیاسی اسلامی را فراهم کردند. دانشگاه تربیت مدرس نیز از دانشگاه‌های مولود انقلاب بود که در سطح تحصیلات تکمیلی تأسیس گردید. محور غالب فعالیت گروه علوم سیاسی این دانشگاه حوزه اندیشه سیاسی اسلام و غرب است. همزمان در پرتو بحث نوسازی و توسعه کشور، مباحث توسعه هم وارد ادبیات علوم سیاسی ایران گردید و تا چند سال بر مباحث این بخش مسلط شد و حتی محور «اسلام و توسعه» مورد توجه دانشجویان و پژوهشگران قرار گرفت. در همین سال‌ها متأثر از اوضاع کشور موضوع‌های سیاسی جدیدی مثل مشروعیت، کارآمدی، ایدئولوژی، دموکراسی، ولایت فقیه و... دست‌مایه تولید آثار سیاسی قرار گرفت. همزمان با تولید آثار سیاسی مراکز ریز و درشت پژوهشی در همین زمینه ایجاد و نوشته‌های فراوانی از این مراکز وارد عرصه نشر شد. «پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی» وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، «پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی»، «دفتر مطالعات و تحقیقات حوزه علمیه قم»، «مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی» و مراکز متعدد دیگر در این دوره تأسیس شدند. در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی دوره

دکتری اندیشه سیاسی دایر گردید (بی‌آنکه سابقه‌ای در دوره کارشناسی یا کارشناسی ارشد داشته باشد) حال آنکه سوابق و تجارب موجود در مؤسسات قدیمی و اقماری این پژوهشگاه اولویت تأسیس رشته‌هایی از قبیل تاریخ و تمدن، ادبیات فارسی و حتی فلسفه و ادیان را نشان می‌داد. در پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی گروه پژوهشی «سیاست» در ذیل یکی از پژوهشکده‌ها با عنوان «پژوهشکده نظام‌های اسلامی» تشکیل گردید. در ابتدای همین دهه در مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم گروه «تاریخ اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران» تأسیس گردید و اولین محصول آن کتابی به نام *تاریخ تحول دولت و خلافت* بود. بعدها در محدوده همین دفتر یک پژوهشگاه به نام «علوم و فرهنگ اسلامی» تأسیس گردید که پژوهشکده‌ای در ذیل آن به نام «علوم و اندیشه سیاسی» به وجود آمد^(۱).

گاه حوادث سیاسی به میزان زیادی در تعیین مسیر وقایع بعدی دخالت دارند. ماجرای آیت‌الله منتظری بر سمت و سوی جریان‌های سیاسی اثر گذاشت و این امر خود به «سیاست‌نویسی» دامن زد. چنان که حوادث روزگار نشان داد، دو طایفه در موضوع این پژوهش پدیدار شد و به آرامی گونه‌ای از نزاع سیاسی در قالب دو جریان مسلط از فقه سیاسی صف‌آرایی کرد.

در سال ۱۳۶۷ دو تن از شاگردان آقای منتظری به نام‌های محمود صلواتی و ابوالفضل شکوری در خواست کردند که کتاب چند جلدی «*دراسات فی ولایة الفقیه*» به فارسی ترجمه شود. محتوا و آموزه‌های این اثر که حاصل سال‌ها تأملات مؤلف بود، یکی از دو جریان اصلی فقه سیاسی کشور را تشکیل داد که به ویژه با آثار محسن کدیور به اوج خود رسید. در برابر این جریان و در واکنش به آن فقه سیاسی دیگری هم با محوریت آموزه‌های آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی پا گرفت. این دو جریان که دو رویکرد مخالف بودند، به سرعت آثار سیاسی انبوهی تولید کردند. جریان اول می‌کوشید در قالب‌های جدید و اقتباس شده از آثار حوزه اندیشه سیاسی غرب به تکاپوی علمی و نظری ولایت فقیه بپردازد. جریان دوم می‌کوشید علاوه بر پشتوانه‌های فقه سیاسی دفاعیه‌های فلسفی و عمدتاً کلامی هم تدارک کند. در این میان آیت‌الله مصباح یزدی در قالب انتشارات «مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی» به تولید سیاست‌نویسته‌هایی به اهتمام شاگردان خود پرداخت. در تمام این محصولات محور بحث دفاع از ولایت مطلقه

فقیه در قانون اساسی در برابر آموزه‌های رقیب یا بدیل بود. حتی در چنین فضایی احساس شد می‌توان رد پای موضوع ولایت فقیه را در آرای بزرگ‌ترین فیلسوف مؤسس اسلامی یعنی ابونصر فارابی جست‌وجو کرد. در این باره رضا داوری معتقد است «فارابی در مدینه فاضله می‌گوید (و این نکته مهمی است)^(۲۱) که رئیس مدینه فاضله یا رئیس اول است یا رئیس ثانی، ممکن است هزار نفر وجود داشته باشند که همه رئیس ثانی باشند. اما رئیس اول کسی است که به او وحی می‌شود و او واضع‌النوامیس است... اما مدینه همیشه صاحب چنین رئیسی نیست. بعد از رحلت چنین رئیسی کسانی که جانشین او می‌شوند، باید بسیاری از صفات او را داشته باشند و رسم و سنت او را بدانند و با سیره او آشنا باشند و طبق سیره او عمل کنند. آنها گاهی به قضایایی برمی‌خورند که در زمان رئیس اول اتفاق نیفتاده و بنابراین رئیس اول هیچ حکمی در مورد آن نداده است. آنها باید قادر باشند که از تصریحات رئیس اول حکم مناسب و مقتضی زمان را استنباط کنند. بنابراین باید فقیه باشند.» (داوری، ۱۳۷۷: ۱۶۳) تأمل در اصطلاحات و واژه‌های عبارات فوق به خوبی نیازهای سیاسی روز را - که کاملاً هم جدیدند - نشان می‌دهد. این گفتار مربوط به دوره‌ای بود که موضوع‌هایی مثل مسائل مستحدثه و اقتضائات زمانه، سکه رایج بود. داوری در پاسخ به پرسشی بدین مضمون که آیا ولایت فقیه در نظام مقدس جمهوری اسلامی با ولایت فیلسوف فارابی تعارض دارد یا خیر می‌گوید «ظاهراً ولایت فقیه با ریاست ثانی فارابی مطابقت دارد» (همان: ۱۶۶).

در فقه سیاسی مورد بحث، سیاست اسلامی در ذیل عبارت «ولایت مطلقه فقیه» گستره نفوذ یافته و به اکثر حوزه‌های زندگی تسری می‌یابد و در حکم واجبات سیاسی و اجتماعی برای مؤمنان و شهروندان الزام‌آور می‌شود. «عمل نکردن به احکام سیاسی و اجتماعی اسلام همان قدر انسان را از رسیدن به سعادت جاویدانش محروم می‌کند که عمل نکردن به احکام فردی مانند روزه و نماز، بلکه گاهی عمل کردن به واجبات سیاسی و اجتماعی اسلام اساس ایمان و شرط قبولی سایر اعمال است» (مصباح یزدی، ۱۳۸۰: ۲۲). نیازها و اوضاع اجتماعی - سیاسی می‌طلبد که جایگاه و مرجعیتی بالا برای ولایت فقیه تعریف شود، زیرا ضرورت‌های اجتماعی و سیاسی نباید دست حاکم را در نظام سیاسی ببندد. از همین روی نهادهای سیاسی از تصرف دولت در مقام کارگزار اصلی سیاست جدید، خارج شده، در ید قدرت حاکم اسلامی قرار می‌گیرند. «دولت و

دیگر نهادهای سیاسی به عنوان ابزار و وسیله‌ای برای وصول به هدف مورد توجه قرار می‌گیرد و حاکم اسلامی باید به اقتضای زمان و مکان و با توجه به مبانی و هدف، ساختارهای لازم را تعبیه کند» (نوروزی، ۱۳۸۰: ۱۷).

در ابتدای دهه هفتاد چهار اثر نظری در قالب کتاب در باب سیاست منتشر شد که از سوی «سیاست‌نویسان» فراوان مورد تقلید قرار گرفتند. دقت در آثار تولید شده بر این نسق، نشان می‌دهد که در آن اوضاع «سیاست‌نویسی» منتظر بود تا با دادن ظاهری علمی به خود، تا حدودی از سرگردانی نجات یابد. ابتدا جلد اول کتاب *اندیشه‌های سیاسی قرن بیستم* نوشته حسین بشیریه که پیشتر در قالب سلسله مقالاتی در *مجله‌ی اطلاعات اقتصادی - سیاسی* به چاپ رسیده بود، به بازار آمد. در مقدمه آن کتاب، مؤلف در قالب یک نمودار ساده، تکلیف اصطلاحات مشابه معارف سیاسی مثل فلسفه سیاسی، اندیشه سیاسی، نظریه سیاسی و ایدئولوژی سیاسی را روشن کرده بود که همین، مورد استناد بسیاری از سیاست‌نویسان قرار گرفت. کتاب دوم از ویلیام، ت، بلوم با عنوان *نظریه‌های نظام سیاسی* بود که در دو مجلد به فارسی برگردانده شد. اثر سوم ترجمه فارسی کتاب *نظریه‌های دولت* اندرو وینسنت و آخرین کتاب مورد نظر، ترجمه *فلسفه سیاسی چیست؟* لئو اشتراوس بود. روند سیاسی‌نویسی در دوره مورد نظر همچنان تا دوم خرداد ادامه می‌یابد. فضای پس از این واقعه، فرصت‌های فراوانی برای جریان سیاست‌نویسی در تولید کتاب، مقاله و پژوهش فراهم کرد. مقولاتی مثل جامعه مدنی، عدالت، خشونت، اصلاحات، توسعه، مردم‌سالاری دینی، قانون‌مندی، مشارکت سیاسی، آزادی، تساهل و تسامح، مدارا، حقوق بشر و گفت‌وگوی تمدن‌ها در قالب آثار فراوان عرضه شدند.

آنچه آمد گزارشی از فضای حاکم بر سیاست‌نویسی برای درک محورهای اصلی نزاع‌های سیاسی کشور بود که خود البته به تشدید سیاست‌نویسی می‌انجامد و این جست‌وجو البته کامل نیست. حوادث دیگری هم در این سال‌ها رخ داد که نقش مؤثری در سیاست‌نویسی داشتند. برای مثال بحث مدیریت فقهی و مدیریت علمی که از سوی عبدالکریم سروش مطرح شد واکنش‌های جدی در پی داشت و البته خیلی زود فروکش کرد و از حد چند اثر فراتر نرفت. در سال ۱۳۸۰ که به نام سال امام علی^(ع) نام‌گذاری شد، زمینه ایجاد موج گسترده‌ای از سیاست‌نویسی در باره امام علی ایجاد گردید و رابطه

سیاست با موضوعات خطیر و مهمی مثل اخلاق، سیاست اخلاقی، عرفان و سیاست، سنت‌گرایی و نوگرایی در نزد امام علی^(ع)، عدالت، خشونت، اصلاحات، حقوق بشر، حقوق مخالفان، امنیت، مردم و ... در آثار سیاسی باز تولید شد. به همین نحو در سالی که سال امام خمینی نامیده شد، تجربه جدیدی از تولید آثار سیاسی به دست آمد.

وضع کنونی اندیشه سیاسی در ایران

اگر دوره زمانی ۱۳۵۶ تا ۱۳۸۴ را به عنوان دامنه مورد توجه در بررسی خود مطرح‌نظر داشته باشیم، می‌توان گفت که ما در مدت بیش از ده سال به طور کلی در وضعیتی ویژه قرار داشتیم؛ هنوز تب و تاب انقلاب فروکش نکرده بود که ناگزیر در جنگی سخت وارد شدیم و در اوضاع جنگی که با منطق خود هر جامعه‌ای را در وضعیت انسجام راهبردی قرار می‌دهد، هر نوع امکان پرداختن به دانش - که فراغ بال و وضعیت مطمئنی می‌طلبد - از میان برخاست. چنان که گفتیم با پایان گرفتن جنگ دو اتفاق به امکان فوق‌مجال بیشتری داد: یکی بازنگری قانونی اساسی (۱۳۶۸) و دیگری برنامه‌های کلان توسعه و بازسازی کشور، که هر دو نمایانگر دور جدیدی از تمرین زندگی سیاسی در ایران بود. یکی از فرصت‌های امام خمینی در پرتو وضعیت جنگ پرداختن به نهادسازی سیاسی و نهادینه سازی امور بود. در نهادسازی، ساختارهای جدیدی بخصوص مجمع تشخیص مصلحت نظام ایجاد شده و در نهادینه‌سازی سعی شد چالش‌های ناشی از فعالیت‌ها و تحولات سیاسی در قالب مدیریت امام خمینی با تنش و هزینه کمتری رفع و رجوع شوند. نهادمندسازی و نهادینه‌سازی در وضعیت غیرجنگی در همه جوامع تنش‌ها و چالش‌های جدی را میان جریان‌های سیاسی ایجاد می‌کند و به ویژه در جوامع دارای ریشه‌های عمیق فرهنگی و تاریخی انتظار چنین چالش‌هایی بیشتر است. در حالی که در کشور ما وضعیت جنگی مجال بروز تنش‌ها را نداد. اما تحولات و جریان‌های بعدی نشان داد که اوضاع جنگ صرفاً اختلافات را به موعده مناسب‌تری موکول کرده و آنها را از اساس منتفی نکرده است.

از ابتدای دهه هفتاد صورتی از جنبش‌های سیاسی در ایران ظاهر شد که برآیند مناسبات سیاسی است. جریان‌های اصلی اندیشه، درون این جنبش‌ها پا گرفته و منجر به شیوع پدیده «سیاست‌نویسی» گردید. نویسندگان سیاسی از ابتدای دهه هفتاد تا به

امروز آثار فراوانی عمدتاً در ذیل نام «اندیشه سیاسی» تولید کرده‌اند که در این بخش از نوشتار به کالبد شکافی معدود آثار مهمترین جریان مسلط پرداخته، علل و عوامل فراگیری، مشکلات بنیادین معرفتی و روشی و آسیب‌ها و تناقض‌های درونی آنها را شناسایی می‌کنیم.

شاید بتوان گفت که جدی‌ترین و اصیل‌ترین مواجهه فکری ما در نسبت با غرب در باب سیاست، افق‌گشایی نظری‌ای بود که در کتاب *تنزیه‌المله و تنبیه‌الامه* اتفاق افتاد که البته ناکام ماند. تحولات بعدی نشان داد که به تدریج و البته به گونه‌ای فزاینده از فعالیت اصیل نظری در باب سیاست، فاصله گرفته و تکاپوهای فکری ما ایرانیان، در هر جریان و مسلکی آرایش دفاعی یافته، عناصر هویت ساز آن بر مؤلفه‌های معرفتی سایه افکند. خاطره دو جنگ جهانی آثار سنگینی بر نوع نگاه ما به اروپاییان نهاد. دو حادثه پس از جنگ جهانی دوم، یعنی فراگیری نهضت‌ها و جنبش‌های سوسیالیستی - مارکسیستی و تداوم تجربه دولت پهلوی به ویژه در سطوح نازل تجدد، نوعی مقاومت را در کلیت پیکره ملت ایران پدیدار کرد. ایرانیان که خود را به حق وارث فرهنگ و تمدن و صاحب نقش مؤثر در تاریخ جهان می‌دانستند، با انکار خویش از جانب دیگران مواجه شدند. صورت حادثی از این مقاومت در چالش نهاد روحانیت که خود را متولی دفاع از اسلام در برابر اتهامات غرب جدید می‌دید، ظاهر شد. روحانیت با ایجاد نوعی نهضت کلامی که در تاریخ ایران هم سابقه‌ای از آن وجود داشت، به دفاع از اسلام در برابر اتهاماتی همانند معرفی اسلام در حکم عامل عقب‌ماندگی، مخالفت دین با علم و آزادی و پیشرفت با دو جبهه دولت و روشنفکران پرداخت. این نحوه مقاومت در برابر جریان اندیشه‌های سیاسی جدید غرب نتوانست رویکردی اصیل به سیاست و اهمیت و اصالت آن در دوران مدرن و در چارچوب احیای سنت انتخاب کند بنابراین، به ناچار، به شیوه‌ای سلبی عمدتاً مشغول رفع اتهامات و تولید اندیشه‌های دفاعی گردید. کتاب *اندیشه سیاسی در اسلام معاصر* حمید عنایت، اثری است که به خوبی وجه سلبی و دفاعی اندیشه سیاسی معاصر را در ایران و تا حدودی جهان اسلام، نشان می‌دهد. از نظر عنایت این اندیشه در کشورهای اسلامی حاصل تحولاتی است که در دو قرن اخیر در پس زمینه مبارزات استقلال خواهانه ایجاد شده است. مبارزه‌ای که هنوز هم به اهداف خود نرسیده و مدام ذهن مسلمانان را سیاسی می‌کند. به همین دلیل این اندیشه سیاسی فعال‌ترین حوزه از

حیات فکری مسلمانان در این دو قرن بوده است (عنایت، ۱۳۷۲: ۱۶ و ۱۷). چنانچه به ماجرا از نگاهی کلان و در حیطه کلی رویارویی جهان اسلام با غرب بنگریم، درمی‌یابیم که تفکر سیاسی مسلمانان مشترکات زیادی داشته و از این حیث به طور کلی سرنوشت مشترکی پیدا می‌کند و در واقعیت هم تا حدود زیادی همین وضع حاکم است. کوشش عنایت آن است تا سرشت تاریخی بودن این اندیشه سیاسی را نشان دهد که البته از نوع فعال و ایجابی نیست. اگر نگاهمان را در تاریخ کمی دورتر ببریم، این واکنش مسلمانان به استبداد خلافت (در اهل سنت) و واکنش به دوری از قدرت (غصب) در نزد شیعه است که در دوران جدید هر دو به وحدت واکنش در برابر غرب می‌انجامد. «پژوهنده اندیشه‌های سیاسی، تاریخ اسلام را در شش هفت قرن اولش مجمع‌العقاید پرجاذبه‌ای از مکتب‌های فکری رقیب می‌داند که هر یک دریافت و برداشت دیگری از مبانی اقتدار حکومت و حدود اطاعت فرد از حاکم داشتند.» (همان: ۲۰) در اندیشه اتحاد اسلام (نهضت سیدجمال و شاگردانش)، گرفتاری‌ها از استبداد سیاسی ناشی می‌شد و در دوره جدید نظام سلطه غرب بود که با استعمار و قوه قهریه، چهره خشن خود را به مسلمانان نشان داد و این حوادث خود به خود اندیشه سلبی سیاسی را بر موضوع قدرت و حکومت و «ضرورت ایجاد حکومت اسلامی» متمرکز کرد، نه بر شناخت اصیل سیاست و کوشش برای مواجهه فلسفی و معرفتی با تجدد که می‌توانست به زایش سنت انجامیده، در نتیجه به تأسیس منجر شود. به زودی دغدغه حکومت اسلامی در کانون اندیشه دینی قرار گرفت و چیزی که این فرآیند را شتاب داد، مجموعه شرایطی بود که از واکنش سنت‌گرایان به دنبال سکولاریزم ترکیه، تجاوز و تهدید برخی قدرت‌های غربی، عقب‌نشینی در قبال ایدئولوژی‌های غربی لیبرال در مصر و پیامدهای بحران فلسطین به بار آمده بود (همان: ۱۳۸). مصلحانی مانند سیدجمال، رشیدرضا و جنبش‌هایی چون اخوان‌المسلمین مصر، جماعت اسلامی پاکستان و فدائیان اسلام ایران به اهمیت سیاست و ضرورت ایجاد حکومت اسلامی توجه کردند. از نگاه مصلحان فوق، در اسلام، سلامت سیاست به سلامت حاکم وابسته است و فساد وی فساد مردم خواهد بود. پس مقاومت در برابر غرب فقط با برقراری حکومت اسلامی ممکن می‌نمود. پشتوانه‌های این نهضت‌ها عمدتاً چارچوب‌های فقهی و کلامی در میراث تاریخ اسلام بود. جامعیت اسلام، تکامل بالذات آن و قابلیت انطباقش با همه زمان‌ها و مکان‌ها از بهترین

آرمان‌ها و ضرورت‌های تشکیل حکومت اسلامی بود (همان: ۱۵۴). از نظر عنایت قدر مشترک آرمان‌های جنبش‌های سیاسی «تشکیل حکومت اسلامی» بود. چنان که اخوان‌المسلمین به رهبری حسن‌البنّا در پی تشکیل وطن اسلامی، جماعت اسلامی به رهبری مودودی در پی آماده‌سازی اوضاع انقلاب اسلامی و فدائیان اسلام به رهبر نواب صفوی معتقد به عرضه برنامه حکومت اسلامی بود. دغدغه‌هایی که از دیدگاه عنایت در دل اندیشه‌های سیاسی مسلمانان وجود داشت، شامل سه خطر عمده یعنی انحطاط تمدن اسلامی، خطر استبداد و خطر استیلای غرب بود تا تفکر اصیل در باب سیاست و معطوف به تمثیت امور عمومی مسلمانان در کشورهای اسلامی.

استقرار نظام مارکسیستی در همسایگی شمال ایران ظهور جنبش‌های سیاسی التقاطی در خاورمیانه را در پی داشت. اندیشه‌های سوسیالیستی با زمینه‌های انقلابی فرهنگ ایرانیان در هم آمیخت و علمدار مخالفت با این وضعیت، نهاد روحانیت، در مقابل روشنفکران و نویسندگان رمان‌ها و داستان‌های جدید فارسی بودند. حکومت مستقر هم به دلیل اشتراک هدف در سرکوب جنبش‌های سوسیالیستی، زمینه را برای فعالیت مذهب‌یون و علما فراهم کرد. جالب است که از میان ارزش‌های عدالت‌طلبانه و ظلم ستیز مارکسیستی در برابر سرمایه‌داری غرب و نظام فئودالی شرق (ایران)، و نگاه و برخورد ایجابی به آنها، این ابعاد تفکر مادی و الحادی اندیشه‌های مارکسیستی بود که برای علما برجستگی یافت و خود به خود نوعی نهضت کلامی نو در مبارزه با آنان شکل گرفت که از مهم‌ترین رهبران این نهضت می‌توان به مرتضی مطهری و دست‌اندرکاران مجله مکتب/اسلام اشاره کرد. حتی تفسیر نمونه که به همت جمعی از «فضلای حوزه علمیه» در چندین مجلد به تحریر درآمد، در همین باره و با هدف معرفی ساده و جذاب اسلام برای جوانان بود.

فعالیت‌های مارکسیستی در ایران به دلیل سنتی بودن فضای جامعه در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ثمری نداد و اتفاقاً بر عکس به تشدید رابطه بومی مردم و نهادهای سنتی انجامید. حکومت مستقر هم از سوی دیگر در سرکوب این جنبش‌ها نقشی تمام ایفا کرد و برآیند این دو وضعیت شکست جنبش‌های مذکور در ایران بود. این شکست تقریباً با پیدایش انقلاب اسلامی و تأسیس نظام سیاسی مبتنی بر فقه سیاسی مواجه شد که شدیداً با هر گونه تفکر الحادی ناسازگاری داشت.

در مجموع می‌توان گفت پیدایش و رواج اندیشه‌های سیاسی در کشورمان عمدتاً در عمل ظاهر شد و به دلیل اوضاع خاص با حفظ هویت دفاعی خویش، به جای بازاندیشی عقلانی در میراث خود و دستیابی به سیاست و تأسیس نظام سیاسی بر مبنای تفکر اصیل و معطوف به سیاست کوشید به رفع اتهامات از اسلام بپردازد.

اوج‌گیری سیاست‌نویسی

از ابتدای دهه هفتاد اوضاع ساختاری و محیطی با ثبات نسبی برای فعالیت فکری اصیل در باب سیاست آماده شد، اما به دلیل فقدان وضعیت ذهنی و نهادینگی تاریخی تفکر سلبی، متأسفانه چشم‌انداز امیدوارکننده‌ای ترسیم نشد. در این بخش از طریق واگشایی مشکلات بنیادین معرفتی و روشی و نشان دادن آسیب‌های درونی مصادیق برجسته «سیاست نوشته‌ها»ی چند سال اخیر به این مهم می‌پردازیم که چگونه باز هم تفکر اصیل سیاسی ممکن نشد و هویت اندیشه سلبی در این دهه بازتولید گردید.

از اهداف مهم برنامه‌های توسعه، گسترش آموزش عالی در کشور بود. در پرتو این سیاست‌گذاری، به طور طبیعی رشته‌های تخصصی علوم انسانی و از جمله علوم سیاسی هم در برخی دانشگاه‌های مهم مثل علامه طباطبایی، اصفهان، شیراز و مشهد و دانشگاه آزاد اسلامی تأسیس شدند. اما در قم نیز اتفاقات مهمی افتاد که از این نظر شایان توجه است. در این شهر تنها مرکزی که یک گروه صرفاً آموزشی در علم سیاست داشت، مؤسسه آموزشی باقرالعلوم بود که در سال ۱۳۶۶ آن را در سطوح کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری ایجاد کرده بود. اما در دهه هفتاد مراکز متعددی با امکانات گسترده و تجهیزات پیشرفته در عرصه علوم سیاسی ایجاد شد که عبارت‌اند از:

۱. گروه علوم سیاسی وابسته به مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی - ۱۳۶۹.
۲. مرکز تحقیقات حکومت اسلامی، وابسته به دبیرخانه مجلس خبرگان - ۱۳۷۲.
۳. پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی در ذیل پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی قم - ۱۳۷۳.
۴. گروه علوم سیاسی دانشگاه مفید - ۱۳۷۳.
۵. گروه تاریخ و اندیشه سیاسی معاصر وابسته به مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی - ۱۳۷۹.

۶. دفتر مطالعات سیاسی حوزه علمیه قم - ۱۳۸۳ (مجله پژوهش حوزه: شماره ۲۱ و ۲۲). علاوه بر این در تهران هم پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی با تشکیلات گسترده‌ای با مدیریت روحانیون در سال ۱۳۷۶ ظهور یافت. در حوزه دانشگاهی، دانش آموختگان علوم سیاسی به ویژه از دانشگاه امام صادق^(ع)، تربیت مدرس، تهران، شهید بهشتی و مراکز دانشگاه آزاد مهم‌ترین نویسندگان سیاسی بودند که در کنار طیف مراکز قم، تلاش‌های گسترده‌ای را برای هویت‌یابی سیاسی در اندیشه اسلامی تدارک دیدند. به عنوان نمونه می‌توان اشاره کرد که پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی وابسته به دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم تاکنون هجده عنوان کتاب مربوط به اندیشه سیاسی فقها و متکلمان اسلامی تولید کرده و چهل و هشت عنوان کتاب دیگر مربوط به همین تعداد فقیه، متکلم و... را در دستور کار دارد. دانش آموختگان مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی به ریاست محمدتقی مصباح یزدی نیز آثار زیادی با عنوان‌های مختلف مثل *فلسفه سیاسی اسلام و سلسله مباحث بنیادین سیاسی* در باب دفاع از ولایت مطلقه فقیه تولید کرده‌اند. در مجموع ما پنج اثر از مجموع «سیاست نوشته‌ها» را انتخاب کرده، در این جا بدانها می‌پردازیم.

- | | |
|--------------------------------------|--------------|
| ۱. مبانی اندیشه سیاسی اسلام | عمید زنجانی |
| ۲. نظریه‌های دولت در فقه شیعه | محسن کدیور |
| ۳. نظام سیاسی و دولت در اسلام | داود فیرحی |
| ۴. اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران | حاتم قادری |
| ۵. تاریخ تحول دولت و خلافت | رسول جعفریان |

در پردازش به این آثار هدف به هیچ عنوان نقد فنی و تخصصی محتوای مباحث آنها نیست و نگارنده نیز خود را در این موضوع دارای صلاحیت نمی‌داند. پردازش‌های ما عمدتاً روش شناسانه و به لوازم و تمهیدات مورد نیاز در باب «اندیشه سیاسی» توجه می‌کند؛ یعنی مقدماتی که برای هر نوع تأمل عالمانه در اندیشه سیاسی فی نفسه ضروری است. از این لحاظ در این بخش عمدتاً به گونه‌ای موضوعی به نوعی آسیب‌شناسی روشی وارد می‌شویم.

عمید زنجانی تقریباً از کسانی است که در زمینه سیاست‌نویسی بر محور جنبه‌های فقهی مسائل سیاسی اسلامی، فضل تقدم دارد. چنان که در آغاز سخن اشاره رفت وی از

حدود چهل سال پیش دغدغه اندیشه سیاسی اسلامی داشته و برای تحقق دغدغه‌های خود با علامه طباطبایی نیز مشورت کرده بود. سه کتاب دیگر از یک حیث مشترک هستند. آنها کوشیده‌اند در ذیل نام مشترک «نظریه» به موضوعات سیاسی بپردازند و کتاب پنجم نیز با زمینه‌ای تاریخی به اندیشه سیاسی اسلام می‌پردازد، اما ابتدا به کتاب عمید زنجانی نظری می‌اندازیم.

دغدغه نویسنده در این کتاب، عرضه اندیشه سیاسی اسلام به گونه‌ای سامان یافته است. اسلام دینی مبتنی بر وحی است و از این نظر اندیشه اصالتاً و ابتدا به ساکن در آن جایگاهی ندارد، بلکه کاربرد اندیشه صرفاً برای مفهوم شدن وحی و ضرورت ادراک بشری متفکران اسلامی از ارزش‌های اسلامی است. بر این اساس اندیشه سیاسی اسلام از اساس توصیفی، تبیینی و تفسیری است و هرگز نمی‌تواند جنبه تحلیلی و انتقادی به خود بگیرد. چنین وظیفه‌ای [البته در معنای خاص خود] بر عهده علم کلام است (عمید زنجانی، ۱۳۷۹: ۳۴). مشکل این کتاب در مفاهیم و مقدمات اندیشه سیاسی است. عمید معتقد است که اندیشه سیاسی از درون علم سیاست آغاز می‌شود، زیرا هنگامی که دانشمندان علوم سیاسی به تحقیق و تفحص در آرا و افکار کلاسیک در باب سیاست مثل آرا و افکار افلاطون، ارسطو، سیسرون و نظریه‌پردازان مدرن از قبیل هابز، روسو و لاک پرداختند، اندیشه سیاسی با هدف تدوین اندیشه‌های جدید و تغییر دادن ساختارهای سیاسی و ایجاد بنیادی نو در علم سیاست به عنوان یک اصطلاح جدید در آن وارد گردید (همان: ۱۹). عمید اندیشه سیاسی اسلام را سپهری عام می‌داند که نظریه خاص «جهان‌بینی سیاسی اسلام» به منزله کانون در مرکز آن قرار می‌گیرد. بنابراین نظریه، جهان‌بینی مبنای نظری است و اندیشه صیغه راهبردی دارد و مبنای شامل ادله، مأخذها، اصول و مسائل کلی اندیشه سیاسی اسلام است. می‌توان اندیشه سیاسی اسلام را با عناوینی تخصصی مثل یک سیستم و نظریه سیاسی، اندیشه‌های تطبیقی، اندیشه‌های سیاسی مسلمانان، تحولات سیاسی به عنوان مکتب سیاسی اسلام در نظر گرفت.

براین اساس مشکل اصلی کتاب *مبانی اندیشه سیاسی اسلام* فصل اول یعنی کلیات است که به رغم عنوان‌های جدا و فراوان نتوانسته است به تعاریف روشن و دقیق و متمایز دست یابد، تا مبنای کار قرار بگیرد. آیا «اندیشه سیاسی اسلام» با «اندیشه

سیاسی اسلامی» تفاوت دارد؟ اگر اندیشه سیاسی مفهومی متأخر و متعلق به علم سیاست باشد، چگونه می‌توان آن را به گذشته تسری داد؟ نظریه که متأثر از علم جدید و روش‌شناسی است، چرا در ذیل اندیشه سیاسی اسلام قرار می‌گیرد؟ جهان‌بینی سیاسی یعنی چه؟ و تفاوت آن با «مکتب سیاسی اسلام» چیست؟ اینها پرسش‌هایی جدی است که در بخش کلیات کتاب مورد نظر بی‌پاسخ می‌مانند.

در نظر عمید زنجانی، اندیشه سیاسی اسلام انحصار به فقه پیدا می‌کند، زیرا شناخت آنها با روش‌های تجربی تاریخی و تحلیل و نقد میسر نیست، بلکه تنها روش فقهی (اجتهادی) است که از طریق استنباط، مبانی اندیشه‌های سیاسی اسلام را از منابع اصلی (قرآن، سنت، اجماع و عقل) کشف می‌کند و هر روشی جز این فاقد اعتبار و نوعی تحریف است (همان: ۲۷). در نهایت عمید زنجانی با مثال‌هایی که برای هر یک از اصطلاحات اندیشه سیاسی، نظریه سیاسی و تئوری می‌آورد درجه آشنفگی مفاهیم سیاسی را در کتاب خود بالا می‌برد. از نظر وی مصداق اندیشه سیاسی - که طرح و نقشه است - در اسلام امامت است. نظریه سیاسی که متکفل امور زیر بنایی است ولایت فقیه و تئوری سیاسی که عملیات و ساختمان است، نظام جمهوری اسلامی است (همان: ۴۲).

سه کتاب دیگر مورد نظر این نوشتار تحت تأثیر کاملاً سطحی از ترجمه فارسی دو اثر معمولی اما عالمانه از حوزه اندیشه سیاسی غرب پدید آمده‌اند. کتاب نخست *نظریه‌های نظام سیاسی نوشته ویلیام ت. بلوم* و دیگری *نظریه‌های دولت اندرو وینسنت* است. این دو کتاب مورد استفاده‌های غیرروشنمندان در سیاست‌نویسی ایرانی قرار گرفته‌اند. عمده استنادها به مقدمات این دو اثر بوده و هرگز کلیت و ساختار اثر را که اتفاقاً از حیث روشی مسئله مهمی است، مد نظر نداشته‌اند، تا منظور اصلی نویسنده را از واژه‌ها، مفاهیم و اصطلاحات علمی در کلیت اثر درک کنند. وینسنت در کتاب خود سبک خاصی دارد. او بحث از دولت را در طی مقدمات، فصل‌ها و نتیجه‌گیری به صورتی شبکه‌وار می‌گستراند. ابتدا آستانه‌ای از بحث را طرح سپس به تشریح انواع نظریه‌های دولت پرداخته و به طور دقیق آنها را تجزیه و تحلیل می‌کند. در طی این شرح و بسط است که کلیات و روش‌شناسی اثر خود را نشان می‌دهد. در نتیجه‌گیری مجدداً به قبض می‌رسد و پرسش‌های سهمگینی حاصل از آغاز تا انجام کتاب را مطرح می‌کند. به این

ترتیب گویی نتیجه‌گیری کتاب به گونه‌ای ادامه مقدمه آن است. بنابراین، استناد صرف به بخشی از مقدمات و جملاتی از متن انواع نظریه‌ها در تعریف دولت کفایت نمی‌کند و از حیث روش شناسی ناقص و چه بسا مایه بدفهمی مفاهیم گردد. حال آنکه نویسندگان سیاسی ما به اتفاق چنین کرده‌اند. کتاب *نظریه‌های دولت* وینسنت یک کلیت دارد که این مدعا را واپسین فصل (یعنی فصل هفتم) کتاب مبنی بر اینکه چگونه شناخت دولت و فهم آن نیاز به شناخت ماهیت دولت و عناصر آن دارد، تأیید می‌کند و تا ماهیت دولت را در نیابیم، نظریه پردازی سیاسی در باب دولت ناممکن خواهد بود (وینسنت، ۱۳۷۶:۳۱۳).

کتاب بلوم با عنوان *نظریه‌های نظام سیاسی* نیز منطق خاص خود را دارد و متأسفانه عمدتاً عنوان روی جلد آن به تراج تقلید نویسندگان سیاسی رفته است. هدف بلوم این است که میان منظومه‌های تفکر سیاسی در غرب، پیوندهایی را شناسایی کرده، میان دنیای کلاسیک و مدرن اندیشه سیاسی پیوستگی‌ای را کشف کند. نظریه او به «نظریه پل» معروف و به معنای واقعی یک نظریه است. منظور بلوم از «نظام» دقیقاً واژه سیستم است که در کشورهای غربی بر بنیادهای فلسفه سیاسی و روش شناسی علم جدید استوار گشته‌اند و از این حیث دخالت علم جدید در نظریه سیاسی غیرقابل انکار است. این سیستم سیاسی که در ایدئولوژی‌ها، قوانین، ترتیبات و نهادهای سیاسی و فرایندهای سیاسی تعیین یافته به اعمال آمریت و ارزش‌های خود می‌پردازد. مردم این نظام را به گونه‌ای ملموس و فراگیر در زندگی سیاسی و مدنی خویش مشاهده می‌کنند. نظام سیاسی مدنظر بلوم واقعیت و دستگامی است علمی - نظری که بر محک تجربه بالیده و دارای درجه نظم و انسجام عقلانی بالا و تبلور یافته در برنامه‌ها و سیاستگذاری‌هاست (بلوم، ۱۳۷۲:۳۲). مردم از طریق این سیستم هدف‌های خویش را دنبال می‌کنند و رفتار و عملکرد گروه‌های مختلف در آن پذیرفته شده است (همان: ۳۳). در چنین تعریفی نظام بالذات با تفکر فلسفی پیوند داشته، از آن تغذیه می‌کند. نظم عقلانی آن محصول تفکر فلسفی و روش علمی است. بلوم خود تأکید می‌ورزد که فهم نظریه‌های سیاسی و نظام سیاسی منوط به شناخت و درک زیربناهای مابعدالطبیعی، اخلاقی و معرفت‌شناسانه آنهاست (همان: ۳۸). که اموری مثل حقیقت، خیر و خوبی از جمله مسائل زیربنایی در این باب است در ادامه بحث به مطالعه

مصادیق سیاست نوشته‌ها می‌پردازیم.

محسن کدیور در ابتدای دهه هفتاد تدریس دو سرفصل درسی «اندیشه سیاسی در اسلام» و «آیات‌الاحکام سیاسی» را در دانشکده علوم سیاسی دانشگاه امام صادق عهده‌دار شد. وی چنان که خود اشاره دارد شالودهٔ مباحث کتاب «نظریه‌های دولت در فقه شیعه» را در آن زمان تدوین کرد. همان زمان بود که کتاب وینسنت ترجمه و چاپ شد. کدیور اصل کتاب خود را در سال ۱۳۷۶ منتشر کرد، اما در سال ۷۳ دقیقاً مقالاتی را با نام «نظریه‌های دولت در فقه شیعه» در نشریه بهمن به چاپ رساند.

«سیاست نوشته‌ها» را به همین دلیل باید در وضعیت و فضای خاصی که تولید شده‌اند بررسی و علل پیدایش آنها را جست‌وجو کرد. چنان که گفتیم در سال ۱۳۶۸ کتاب *فقه‌الدوله الاسلامیه آیت‌الله منتظری* به فارسی ترجمه شد. این کتاب و مبنای فقهی آن یکی از دو جریان اصلی بحث‌های بیش از یک دهه کشور را در باب مسئله ولایت فقیه تشکیل داد. مترجمان *فقه‌الدوله* در مقدمه‌ای که بر کتاب نوشته‌اند اصطلاح اندیشه سیاسی را به زمان‌های دورتر تاریخی می‌برند و در اصطلاحاتی چون احکام‌السلطانیه، تنفیذ‌الاحکام و مسایل‌الولایات منحصر می‌کنند و این مجموعه را فقه سیاسی می‌دانند. از این دیدگاه مجموعه تعالیم اسلامی در حوزه سیاست، منحصر در فقه سیاسی است که بعدها در طول تاریخ توسعه یافت (منتظری، ۱۳۷۹: ۴۴ و ۲۷). بنابراین، اندیشه سیاسی صرفاً محدود به فقه سیاسی است. این جریان با جریان دوم یعنی مدافعان ولایت مطلقه فقیه در پس زمینه منازعات سیاسی به تولید آثار سیاسی می‌پردازند. در واقع این گونه آثار ربط چندانی به درک و فهم سیاست نداشته، به نوعی گزارشی از منازعات قدرت و آرایش نیروهای سیاسی کشور است که در لفافه عناوینی مثل اندیشه سیاسی، نظام سیاسی، نظریه سیاسی و فلسفه سیاسی بزرگ شده‌اند. با انتشار مقالات کدیور جریان مقابل که عمدتاً آیت‌الله مصباح یزدی دغدغه دفاع از آن را داشت، به تولید سریع کتاب می‌پردازد. در این سال‌ها یعنی عمدتاً از سال ۷۳ به بعد سیل نوشته‌های سیاسی در قالب‌هایی مثل سلسله مباحث بنیادین، نظام سیاسی، حکومت اسلامی، فلسفه سیاسی اسلام، مبانی حکومت و ... انتشار یافته که هدف اصلی آنها دفاع عقلانی از ولایت مطلقه فقیه در برابر دو دیدگاه ولایت انتخابی و وکالت فقیه است.

رسالت سیاسی نویسنده نظریه‌های دولت در فقه شیعه مانع از آن می‌گردد که وی به قواعد و اصول عرضه یک نظریه علمی و مستظهر به مقررات و ضوابط اندیشه سیاسی وفادار بماند؛ نظریه دولت مشروطه در تمدن غرب از قانونی وضع شدنی (بشری) و مقید شدن حکومت به قانون اساسی به دست می‌آید، در حالی که کدیور معتقد است که در عصر مشروطه دو دیدگاه سنتی «حکومت مشروعه» و دیدگاه تحول طلب به عرضه نظریه دولت مشروطه مبتنی بر اذن عام فقیهان انجامید (کدیور، ۱۳۷۶: ۱۹). آیا استنتاج نظریه دولت کدیور که بر امر مهمی چون برپایی حکومت اسلامی از نظر امام خمینی استوار است و خود نیز از یک مقوله در فروع دین (امر به معروف) به دست آمده است، کفایت نظری لازم را دارد؟ کدیور نظریه را در جای جای کتاب خود به معانی نظر در مقابل عمل، نظریه در برابر عملیه، نظرها و دیدگاه‌ها و حتی تلقی‌های مردم می‌داند. از نظر وی آغاز نظریه دولت در اسلام اعتقاد به ولایت سیاسی فقیهان است، حال آنکه نظریه سیاسی در غرب متأخر بر فلسفه سیاسی است.

حاتم قادری از متقدمان پرداختن به اندیشه‌های سیاسی اسلام در معنای عام یعنی شامل اندیشه‌های سنی و شیعه است. او به طور مصداقی در مورد اندیشه سیاسی غزالی کتابی مستقل به چاپ رسانده است و کتاب دوم و مورد بحث ما *اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران* تا حدود زیادی از مایه‌های روشی کتاب اول نشئت می‌گیرد. وی در اثر نخست منظور از اندیشه سیاسی را هم عطف توجه به منظومه فکری می‌داند که شمولیت تفکراتی [؟] داشته باشد و هم عقاید و آرای سیاسی را به مثابه «فعل سیاسی» دربر می‌گیرد؛ (قادری، ۱۳۷۰: ۷۱) یعنی آمیخته‌ای از فلسفه سیاسی (شامل کلیات و اصول اعتقادی) و تأثیرات تاریخی و امر سیاست. از این نظر گاه اندیشه سیاسی غزالی حاصل نظریه و عمل است و فعل سیاسی هم گاه در عداد اندیشه سیاسی قرار می‌گیرد. قادری آثار مکتوب غزالی را «امر سیاسی» می‌داند و از این نظر کتاب مهم *احیاء علوم‌الدین* یک فعل سیاسی [؟] است. نویسنده نتیجه می‌گیرد که نظریه و عمل هر دو می‌توانستند (و باید) به یک مجموعه و کل تعلق داشته باشند و این همان چیزی است که ما با جعل اصطلاح اندیشه سیاسی در پی آن بوده‌ایم. نظریه سیاسی صرفاً اصول و ارزش‌هایی است که تحقق نیافته و به «فعل» یا «امر» سیاسی نینجامیده است (همان: ۷۲-۹۶). بنابراین اندیشه سیاسی برآیند نظریه و فعل سیاسی است.

قادری در کتاب دوم خود، در بخش اول با عنوان «نظریه‌های نظام‌های سیاسی» به نظریه‌های خلافت و ولایت در تستن و تشیع می‌پردازد. عنوان فصل مذکور بر گرفته از نام کتاب بلوم است و منظور از نظام منظومه‌های سیاسی، فکری است که در طول تاریخ اسلامی تولید شده و هویت یافته‌اند. آشفتگی‌های مفهومی کتاب هم از همین نقطه، آغاز می‌شوند. نظام سیاسی به معنای سیستم^۱ در اندیشه و علم سیاست در چند دهه اخیر و به ویژه پس از جنگ جهانی دوم و با کتاب مشهور دیوید ایستون رایج شد. در این معنا، نظریه سیاسی مبنای سیستم سیاسی است و نظریه، خود بر فلسفه سیاسی و اصول روش‌شناسانه علم جدید استوار است. در حالی که در اثر حاتم قادری، نظام سیاسی به معنای منظومه‌ای فکری (کلامی - فقهی) است که نظریه‌ها در درون آنها قرار می‌گیرند. یعنی نظام، عام است و نظریه خاص. نظام سیاسی خلافت شامل سه نظریه سیاسی «اهل حل و عقد»، «قریشی بودن خلیفه» و «نظریه دو امام» است. از سوی دیگر مغایر با دریافت منظومه از نظام، نویسنده نظام را در جایی دیگر از اثر خود به مثابه بزرگ‌ترین سازمان اجتماعی و سیاسی جامعه می‌گیرد (قادری، ۱۳۸۴: ۷). در حالی که در تاریخ اسلام چنین ادعایی هیچ‌گاه تحقق نیافته است. در برخی قسمت‌های کتاب، نظام به جای نهاد گرفته می‌شود. از نظر قادری نظریه‌ها همواره پسینی هستند. یعنی ابتدا نظام‌های خلافت و تشیع اتفاق افتاده‌اند و سپس طرفین در زبان‌های فقهی، کلامی و تاریخی به تدوین نظریه برای دفاع از آن نظام پرداخته‌اند. بدین ترتیب نظریه صرفاً حکم دفاعیه‌ای از دو نظام کلی مسلمانان را در تاریخ پیدا می‌کند. در حالی که دست کم در نظریه سیاسی جدید چنین نیست. نظریه تمهیدات و پایه‌های نظری تأسیس نظام است. چنان که در دوران مدرن نظریه سیاسی تمهید دولت مدرن به عنوان مرجع یگانه و مستقل اقتدار است. نظام‌های مد نظر قادری «سیاسی» نیستند، بلکه منظومه‌های اعتقادی (فقهی - کلامی) هستند که در نسبت خاصی با سیاست زمانه خود ظهور کرده‌اند.

نمونه دیگر از سیاست‌نویسی، کتاب *نظام سیاسی و دولت در اسلام* است که به تأثیر از کتاب بلوم به نگارش درآمده. نویسنده در مقدمه آن با عنوان «درآمدی بر نظریه‌های نظام سیاسی در اسلام» ضرورت بحث از دولت در اسلام را چنین بیان می‌کند «سیاست

1. System.

و دولت به گونه‌ای ظریف در قسمت عمده زندگی ما نفوذ می‌کند. زندگی انسان‌ها در درون نظام سیاسی و دولت آغاز می‌گردد و پایان می‌پذیرد... عضویت در یک دولت غیرارادی است» (فیرحی، ۱۳۸۴: ۱). این وصف، چهره‌ای از اقتدار دولت مدرن است که وینسنت و رنی در کتاب‌های خود آورده‌اند و هیچ ارتباطی با وضع دولت‌های اسلامی در دوره‌های تاریخ اسلام ندارد. حتی وینسنت این چهره را برای دولت‌های قدیم غربی هم به کار نمی‌برد. جالب است که چهره غیر مدرن دولت ضرورتی برای پرداختن به دولت در نزد فیرحی است. فهم سیاست در نزد وی غیر اصیل و ناشی از اوضاع بیرونی است. ضرورت شناخت از مشکل بودن زندگی بدون دولت، نفوذ دولت در زندگی ما و غیر قابل انکار بودن واقعیت دولت در جوامع اسلامی است (همان: ۸).

فیرحی نظریه‌های نظام سیاسی اسلام را به سه دسته شیعه، سنی و خوارج و بعد به دو دوران قدیم و جدید و در مجموع شش نظریه تقسیم می‌کند. مشکل مهم روش‌شناختی این اثر مفاهیم و تعاریف هستند که هر کدام از گوشه‌ای و به نحوی التقاطی جمع شده‌اند. تعریف «دولت» از کتاب آستین رنی به نام حکومت که اثری مهم در عرصه سیاست‌گذاری عملی و فن حکومت کردن است اخذ شده است. این کتاب به یکی از مهم‌ترین نظام‌های حکومتی معاصر یعنی امریکا و چند مورد دیگر می‌پردازد. در حالی که کتاب وینسنت صبغه‌ای کامل در سیاست نظری دارد و در واقع مقدم بر حکومت است. رنی در مقدمه کتاب خود می‌گوید «متفکران درباره ماهیت دولت و حکومت تعمق کرده‌اند ولی امروزه مطالعه حکومت فوریت دارد» (رنی، ۱۳۷۴: ۳). کتاب رنی حاصل تجربه آموزشی وی در مطالعه سیستم سیاسی امریکا و فرایندهای مرسوم قانونی آن است که عمدتاً برای دانشجویان علم سیاست تدوین شده و هیچ ربطی به نظریه‌های دولت که در حوزه اندیشه و فلسفه سیاسی است، ندارد. تعریف رنی از دولت فقط به معنای نهاد و روایت تاریخی از آن است نه مرجعیتی مستقل که واجد ارزش‌ها، اهداف و غایات خاص فلسفه سیاسی باشد. بنابراین اخذ و مبنا قرار دادن تعریف دولت از یک اثر مربوط به فن حکومت کردن - آن هم محدود به امریکا - و تعمیم دادن آن به تاریخ دولت در اسلام کلاً غیرروشنمند و کاملاً آشفته است. متأسفانه نویسنده نظریه‌های دولت در اسلام ویژگی‌های دولت مدرن مدنظر رنی را به عنوان ویژگی‌های دولت‌های اسلامی فهرست می‌کند. آیا به راستی دولت در تاریخ اسلام واجد عناصر انحصاری مثل

اقتدار عام و فراگیر، مقررات آمرانه، حاکمیت، انحصار مشروع قدرت یا عضویت غیرارادی افراد بوده است؟ بی‌هیچ گمانی پیداست که این اوصاف، منحصر به دولت مدرن‌اند. واپسین «سیاست نوشته» مد نظر این مقاله کتاب *تاریخ تحول دولت و خلافت* نوشته رسول جعفریان است. این اثر اولین محصول گروه «تاریخ اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران» وابسته به مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی قم است که در ۱۳۷۲ منتشر شد. نگاه تاریخی مؤلف در آغاز کار مانع از سقوط وی در گرداب سیاست‌نویسی می‌گردد، زیرا می‌کوشد سرگذشت تاریخی موضوعات مرتبط با سیاست را در تاریخ دوره اسلامی روایت کند، اما متأسفانه به رغم این هدف، ناخواسته در دام واژه‌های سیاسی افتاده و در اولین قدم بدون توجه به معنای «سیاست» و «سیاسی»، واژه‌ها را به استخدام کتاب درمی‌آورد. نویسنده، جامعه جاهلی پیش از اسلام را یک «واحد سیاسی کوچک» می‌داند (جعفریان، ۱۳۸۰: ۱۵). این تعبیر در واقع تهی شدن «سیاست» از بنیادهای فکری و فلسفی ارزشمند است که اساس اندیشه‌های سیاسی‌اند. آیا به راستی در یک قبیله جاهلی موضوع «قدرت» یا حاکمیت وجود داشته است؟ آیا حاکمیت در هر جامعه‌ای - حتی کوچک - قابل انشعاب و تقسیم شدن است؟ چه ضرورتی دارد که ساختار قبیله را که در هیأت اجتماعی ابتدایی خود زنده و فعال است با واژه‌های سیاسی همراه کنیم؟

جست‌وجوی سیاست در قبیله باعث جعل ترکیب‌های سلیقه‌ای مثل «دولت قبیله‌ای» و سایر مفاهیم سیاسی قبیله‌ای می‌شود که به تعبیر جواد طباطبایی معلول قدرت تصویرگری ادبیات فارسی است. این شیوه باعث گردیده که نویسنده الفاظی مثل بیعت، ملأ، نقیب و شعب را مفاهیم سیاسی بداند و حکومت را به معنای انضباط سیاسی میان افراد و جامعه تلقی کند که اساساً از بیعت مستفاد شده و در ادامه اولین اقدام سیاسی با دو شاخص انضباط سیاسی و دوراندیشی رهبر، همین بیعت انگاشته شده است. فقه که بر نیازهای جامعه پدید آمد، محتوای خود را در «پیمان عمومی» میان مسلمانان، یهودیان و مشرکان نشان داده، و بدین ترتیب قانون اساسی تولید شده است. امور عمومی که رهبری سیاسی متکفل آن است، تنها شامل جنگ، قضاوت و تقسیم غنایم است (همان: ۷۶). اگر در کنار این اثر که شدیداً متأثر از منازعات سیاسی است، به کتاب مشابهی که پیش از انقلاب از حسن ابراهیم حسن با نام *تاریخ سیاسی اسلام*

ترجمه شده است، نظری بیفکنیم، هرگز با تحمیل برنامه‌ریزی شده واژه‌های سیاسی و تعمیم آن به جاهلیت و حتی دوره اسلامی مواجه نمی‌شویم. ابراهیم حسن تاریخ سیاسی اسلام را به درستی و با درک منطق درونی قبیله مطالعه می‌کند. او معتقد است که «در دوره جاهلیت نظم سیاسی وجود نداشت و امور، شخصی بود» (ابراهیم‌حسن، ۱۳۷۶: ۳۹). پیمان «فضول» که جعفریان آن را به عنوان نماد و بنیادی از «امور عمومی» قلمداد می‌کند، از نظر حسن ابراهیم حسن صرفاً مقوله‌ای اخلاقی و انسانی است که نمی‌توان دریافت سیاسی از آن داشت.

در مجموع مشکلات بنیادین سیاسی‌نویسان ایرانی به مسائل تمهیدات و مقدمات بحث‌های اندیشه سیاسی، فقدان مبانی نظری و معرفتی، مشکلات روش‌شناسی، نداشتن چارچوب‌های مفهومی و عدم وفاداری به اصول و مبانی و روش در آثار مورد استناد و عدم درک شرایط تاریخی خود باز می‌گردد. این مشکلات را می‌توان در مجموع به گونه زیر فهرست نمود:

۱. عدم امکان تعیین حدود سیاست و اندیشه سیاسی (اینکه به چه چیزهایی نباید و به کدام‌ها باید پرداخت).

۲. مشکل تاریخی در باب آغاز اندیشه سیاسی در تاریخ اسلام، چنان که اشاره شد برخی اندیشه سیاسی را اصطلاحی جدید دانسته و به گذشته تسری می‌دهند. برخی آغاز ولایت سیاسی فقیهان را - که خود مضمونی مبهم است - آغاز اندیشه سیاسی می‌دانند، برخی طبقه‌بندی آثار فقهی و پیدایش ابواب فقه به ویژه کتاب بیع و قضا یا امر به معروف را آغاز اندیشه سیاسی می‌دانند. برخی اندیشه سیاسی در تاریخ اسلام را به دوره جاهلی هم توسعه می‌دهند.

۳. عدم وضوح میان اصطلاحات گوناگون مثل فلسفه سیاسی، اندیشه سیاسی، نظریه سیاسی و...

۴. پردازش سلبی و عارضی به سیاست و فقدان تأملات اصیل در باب نفس مقوله سیاست «چیستی سیاسی» و پیگیری مفهومی - تاریخی آن در آثار دوره‌های مختلف تمدن اسلامی.

۵. تحمیل مفاهیم اندیشه سیاسی جدید به محتوای تاریخ سیاسی دوره اسلامی.

نتیجه‌گیری

هیأت و هویت دفاعی سیاست‌نویسی باعث گردیده که در پرتو نگاه منفی به سیاست رایج در دوران جدید که از غرب آغاز و فراگیر شده است، هر نوع امکان تأمل اصیل درباره سیاست تا حدود زیادی از میان برود و صرفاً هدف تکاپوهای سیاست‌نویسان نشان دادن این نکته است که سیاست اسلامی یا سیاست مدنظر اسلام، سیاست رایج نیست. در واقع سیاست نوشته‌ها با تقلیده‌های سطحی و غیرروشمند از ترجمه‌های غربی یا تفسیرهای به عمل آمده از متون معتبر فلسفه سیاسی غرب، کوشیده‌اند از همسنخی سیاست اسلامی با سیاست جدید تبری بجویند و در واقع شکافی پر نشدنی از این دو دنیا در نسبت با سیاست ترسیم کنند و پیش از آنکه دغدغه معرفت به سیاست و تأمل در شناخت چگونگی تمشیت امور عمومی را داشته باشند، دل‌نگران پاسداری از هویت سیاست اسلامی باشند؛ هویتی که ماهیت آن چندان روشن نیست.

رضا داوری که رساله دکتری خود را در باب فلسفه مدنی فارابی نوشته و به کرات در قالب کتاب، مقاله... در آرای سیاسی مهم‌ترین فیلسوف سیاسی واضع مدینه فاضله در اسلام تحقیق کرده است، تعریفی ایجابی از سیاست در نزد فارابی عرضه نمی‌کند. او می‌نویسد «سیاست فارابی به معنای صورت دادن به عالم و آدم بر طبق رأی و برداشت ما نیست، بلکه سیاست خاصی مورد نظر اوست.» (داوری، همان: ۹۷). در جایی هم می‌نویسد اسلام سیاست خود را دارد و لازم نیست که آن را طریقی برای رسیدن به سیاست غربی و شرقی قرار دهیم (داوری، ۱۳۶۲: ۱۶). اما هرگز توضیح نمی‌دهد که سیاست فارابی یا اسلام چیست و در کجا باید آن را جست‌وجو کرد. داوری بعدها در فصلنامه *نامه فرهنگ*، در موضوع مقایسه رئیس اول در مدینه میان فارابی و ملاصدرا به مسئله پیوستگی شریعت و سیاست گریز زده است (داوری، ۱۳۸۳: ۱۳۳-۱۳۰). محمدباقر صدر متأثر از شرایط زمان خود می‌گوید سیاست بازتاب مبارزات طبقاتی نیست، حکمرانی و سلطه هم نیست. عمید زنجانی سیاست را به معنای کارکرد حکومت یا دولت و در مدیریت امور همگانی و فعالیت احزاب سیاسی، و تدابیری که حکومت به منظور اداره کشور اتخاذ می‌کند، می‌داند (عمید زنجانی، ۱۳۷۹: ۲۸ و ۲۹). با اینکه دو کتاب *جمهور افلاطون و سیاست ارسطو* دست کم حق تقدم در پرداختن به تعریف سیاست دارند، نویسندگان سیاسی بسیار اندک به این آثار رجوع می‌کنند و زحمت

مطالعه روشمند آن دو را به خود نمی‌دهند و ما کمترین استنادها را به افلاطون و ارسطو داریم.

یکی از مشکلات تاریخی سیاست‌نویسان این است که به تفاوت سیاست در دوران قدیم و جدید بی‌توجه‌اند. اینکه حکومت در دوره جدید از سیطره ملک طلق شخصی خارج شده و سازمان سیاسی جای آن را گرفته است و بدین ترتیب کیستی حاکم جای خود را به چیستی و چگونگی سازمان و نهاد داده است. قرارداد معیاری مهم در سیاست جدید است و دولت بر مبنای این قرارداد مرجعیت پیدا کرده است. سازمان سیاسی آن قدر قدرت و اهمیت دارد که به تعبیر کانت می‌تواند شیاطین را هم به اطاعت از قانون وا دارد، مشروط بر اینکه آن سازمان قانونی داشته باشد که بر عقل سلیم تنظیم و وضع شده باشد (لئواشترانس، ۱۳۷۴: ۱۵۳).

در نظر گاه و دوران جدید، دولت دستگاهی ساختگی است و شر محسوب می‌شود، منتهی یک شر لازم و ضروری که توسط عقل آدمی و بر پایه یک میثاق بر پا می‌گردد. در حالی که در اندیشه دینی اگر هم سیاست وجود داشته باشد، تأسیسی و اصیل نیست و حکومت مصداق شر نمی‌تواند محسوب شود، زیرا به لحاظ کلامی خلق شرور ممتنع است. شهروند در سیاست جدید آگاهانه درمی‌یابد که تحمل شری خودساخته به نام دولت بهتر از ناامنی و شرور بزرگتری است که در زندگی غیرسیاسی وجود دارد.

جریان ادامه‌دار سیاست‌نویسی در کشورمان به طرز فزاینده‌ای با انباشت آثار به خلق هویتی از سیاست کمک می‌کند که به تدریج از سیاست اصیل و مستقل فاصله می‌گیرد و در واقع به نوعی رویارویی با آن هم می‌پردازد. و به تعبیر ابن‌خلدون به تدریج طبیعت ثانویه‌ای در برابر طبیعتی اصیل شکل می‌گیرد و بر آن چیره می‌شود. سیاست در حکم هویت پیش از آن که بتواند به بلوغ اندیشه سیاسی اصیل کمک کند و نتایج تأملاتش در نهایت در خدمت پیرایش سیاست و اصلاح آن در ایران بینجامد، طعمه منازعات سیاسی می‌گردد و به شخصی شدن سیاست و محوریت سیاستمداران منتهی خواهد شد و «دولت» مضمونی نخواهد داشت جز آن چه در نزد حافظ به عنوان برآمد فرهنگی ایرانیان ذکر شده است؛ یعنی بخت، اقبال و فرصت‌های شخصی که به یمن نزدیکی به قدرت به دست می‌آید.

پی‌نوشت

۱. جالب است که در انگیزه تأسیس این پژوهشکده، گفته شده است که «ما بر خلاف آنچه می‌گویند وارث میراث عظیمی از اندیشه هستیم!» ر.ک. فصلنامه پژوهش و حوزه، شماره ۲۱ و ۲۲ ص ۲۸۹. دقت در نام‌های رسمی این مراکز نشان می‌دهد که به چه میزان غیرواقعی و غیرعالمانه هستند.
۲. تأکید از مرجع اصلی است.

منابع

- ابراهیم‌حسن، حسن (۱۳۷۶) تاریخ سیاسی اسلام، ترجمه ابوالقاسم پاینده، چاپ نهم، تهران، جاویدان.
- اشتراواس، لئو (۱۳۷۴) فلسفه سیاسی چیست؟، ترجمه فرهنگ رجایی، تهران، علمی و فرهنگی.
- ت. بلوم، ویلیام (۱۳۷۳) نظریه‌های نظام سیاسی، ج اول، ترجمه احمد تدین، تهران، آران. جعفریان، رسول (۱۳۸۰) تاریخ تحول دولت و خلافت، چاپ سوم قم، دفتر تبلیغات اسلامی. داوری اردکانی، رضا (۱۳۶۲) وضع کنونی تفکر در ایران، چاپ دوم، تهران، سروش.
- داوری اردکانی، رضا (۱۳۷۷) فارابی مؤسس فلسفه اسلامی، چاپ چهارم، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- داوری اردکانی، رضا (۱۳۸۳) فلسفه تطبیقی، تهران، نشر ساقی.
- رنی، آستین (۱۳۷۴) حکومت، ترجمه لی‌لا سازگار، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۹) مبانی اندیشه سیاسی اسلام، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه سیاسی.
- عنایت، حمید (۱۳۷۲) اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، چاپ سوم، تهران، خوارزمی.
- فیرحی، داود (۱۳۸۴) نظامی سیاسی و دولت در اسلام، تهران، سمت.
- قادری، حاتم (۱۳۷۰) اندیشه سیاسی غزالی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی وزارت امور خارجه.
- قادری، حاتم (۱۳۸۴) اندیشه سیاسی در اسلام و ایران، چاپ ششم، تهران، سمت.
- کدیور، محسن (۱۳۷۶) نظریه‌های دولت در فقه شیعه، تهران، نشر نی.
- مصباح‌یزدی، محمدتقی (۱۳۸۰) پرسش‌ها و پاسخ‌ها درباره نظام سیاسی اسلام، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- منتظری، حسینعلی (۱۳۷۹) مبانی فقهی حکومت اسلامی جمهوری اسلامی ایران، ترجمه و تحریر محمود صلواتی و ابوالفضل شکوری، چاپ دوم، تهران، سرایی.
- نوروزی، محمدجواد (۱۳۸۰) نظام سیاسی اسلام، چاپ دوم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- هادوی‌تهرانی، مهدی (۱۳۷۱) ولایت فقیه، چاپ دوم، تهران، دانش و اندیشه معاصر.
- وینسنت، اندرو (۱۳۷۶) نظریه‌های دولت، ترجمه حسین بشیریه، چاپ دوم، تهران، نشر نی.
